

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله خانوادہ مسلمان ۲۸



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين، والعاقبه للمتقين،
ولاعداوان الا على الظالمين، والصلاه والسلام
على محمد الذي ارسله ربه رحمه للعالمين و
على آله و صحبه اجمعين.

۱- حفظ و باقی نوع نسل بشر

بدیهی است که بقای نوع و نسل بشر بوسیله ازدواج است و پیوند زناشویی بین انسانها راهی است برای تداوم نسل بشر تا پایان زندگی او بر این کره خاکی. در قرآن کریم نیز به این حکمت اجتماعی چنین اشاره ای شده:

﴿يَتَأْتِيَ النَّاسُ أَثْقُوا رَبُّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾

«ای مردمان! از (خشم) پروردگاتان بپرهیزید. پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و (سپس) همسرش را از نوع او آفرید، و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی (بر روی زمین) منتشر ساخت» (نساء: ۱)

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً﴾

«خدا از جنس خودتان همسرانی برای شما قرار داد (تا در کنار آنان بیاسائید) و از همسرانتان پسران و نوادگانی به شما داد.» (نحل: ۷۲)

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در روایتی، به حکمت زاد و ولد و افزایش و پیدایش انسانها اشاره می کند، آنجا که می فرماید: «ازدواج کنید، تا جمعیت شما افزایش یابد، زیرا من در روز قیامت در بین سایر امتها، به

فراوانی شما افتخار خواهم کرد.» (روایت بیهقی و عبدالرزاق)

۲- حفظ روابط نسبی

فایده دیگر ازدواج که خداوند به آن امر کرده، افتخار کردن فرزندان به نسبهایشان است. زیر اصل و نسب دار بودن باعث اعتبار، ارزش، کرامت و خوشبختی است و چنانچه ازدواج نمی بود جامعه از فرزندان نامشروع که هیچ اصل و نسب و کرامتی نداشتند، پر می شد و در چنین جامعه ای ارزشهای اخلاقی لطمه اساسی می خورد و فساد و بی بند و باری در جامعه گسترش می یابد.

۳- مسئولیت جامعه از انحرافات و بی بندوباریهای اخلاقی

یکی دیگر از اثرات ازدواج، مصون ماندن جامعه از هرج و مرج و بی بندوباری اخلاقی و محفوظ ماندن افراد آن از مفاسد اجتماعی است زیرا غریزه جنسی و تمایل به جنس مخالف تنها از طریق ازدواج اشباع می شود و از این جهت می بینیم که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم خطاب به جوانان با شیوه ای جالب و زیبا فلسفه اخلاقی ازدواج را اینگونه بیان می فرماید: «ای گروه جوانان! هر کس از شما استطاعت (قدرت جنسی و هزینه زندگی را) دارد، ازدواج کند، زیرا که ازدواج چشم را بهتر کنترل می کند و ناموس را محفوظ می دارد. اما کسی که نتواند هزینه ازدواج را تأمین کند باید روزه بگیرد، زیرا روزه

باعث کم شدن شهوت و غریزه جنسی است.» [رواه الجماعه]

۴- تعاون و همکاری زوجین در تشکیل خانواده

بوسیله ازدواج است که زن و شوهر برای بقای خانواده با یکدیگر همکاری می نمایند تا بتوانند فرزندانشان را تربیت کنند و مسؤولیتهای زندگیشان را به انجام رسانند. در پرتو نظام خانواده است که زن و مرد مکمل همدیگرند و هریک دیگری را کامل می کند: در این میان زن به تناسب سرشت و طبیعتش عهده دار توانایی های ویژه اش، نقش خاص خود را ایفا می کند، تلاش و کوشش برای تأمین نیازهای خانواده، حل مشکلات و مسائل جانبی خارج از خانه، حمایت و نگهداری از خانواده در برابر کوران حوادث و مصیبت های روزگار، از عمده ترین روحیه همکاری بین زوجین تکامل یافته و به بالاترین مرتبه خود می رسد و در پرتو چنین روحیه ای، کانون خانواده بر پایه ی مستحکم و تربیت و پرورش کامل بنا شده و از نعمت محبت و دوستی که در سایه حقوقی که اسلام آن را برای سعادت جامعه مقرر کرده بهره مند می شوند.

۵- مصونیت جامعه از امراض

یکی دیگر از حکمت های خداوند از امر به تشکیل خانواده، سالم ماندن جامعه از امراض است. امراض مسری و کشنده که نتیجه روابط نامشروع و گسترش زنا در جامعه می باشد. در ذیل به نمونه هایی از این بیماریها که پیامد روابط آزاد جنسی و زنا در جامعه می باشد، اشاره می کنیم.

• **سوزاك Gonorrheol**: از جمله امراضی است که در اثر زناکاری انتقال می یابد. این بیماری در زنان باعث التهاب شدید در رحم و مردان موجب ملتهب شدن مثانه و بیضه ها می شود. این بیماری گاهی اوقات باعث عقیم شدن مرد یا زن می گردد و بعضی وقتها باعث التهاب در مفاصل شده و گاهی روی جنین تأثیرات سوء می گذارد که باعث التهاباتی در چشم طفل شده و خطر کوری به دنبال دارد.

• **سفلیس Syphilis**: علت اصلی انتقال این بیماری بدون شک از طریق تماسهای جنسی نامشروع (زنا و ...) می باشد که باعث التهابات شدید پوستی و مفصلی، استخوانی، عضلانی و قلبی، ریوی، کلیوی و عصبی و غیره می شود.

• **شانکر یا آتشك Chancroid**: به علت روابط نامشروع و عمل زنا غده های لنفاوی ورم کرده که در نهایت منجر به ترشحات مزمن چرکین خواهد شد، دردهای مفصلی و التهابات مجاری ادرار و تورم اعضاء از اثرات این بیماری می باشد.

• **ضایعات پوستی نرم بر عضو تناسلی**: بر اثر زنا زخمهای نرم و دردناکی بر دستگاه تناسلی بیمار ظاهر می گردد، این زخمها انتشار پیدا کرده و باعث تخریب پوست می شود.

• **بلوغ زودرس (نابهنگام)**: این بیماری بر اثر

تحریکات مداوم عصبی قبل از زمان طبیعی خود، ایجاد می شود و قبل از آنکه غدد مولد هورمونهای جنسی شروع به فعالیت کنند، احساسات غریزی تحریک می شود، نتیجه این تحریکات بصورت امراض عصبی، روانی و ناهنجاریهای عضوی بروز می کند.

علاوه بر امراضی که بیان کردیم، بیماریهای زیاد دیگری نیز هستند که در اثر شیوع فحشاء به تدرستی به انسان صدمه می زنند. که پزشکان در باره آنها به تفصیل بحث کرده اند و نسبت به خطرات آن هشدار داده اند.

۶- آرامش روحی و روانی

بوسیله پیوند زناشویی بین زن و شوهر رابطه دوستی و مهربانی برقرار می شود و هر یک بر اثر انس گرفتن با دیگری به سعادت و خوشبختی نایل می آیند.

هنگام غروب که شوهر، کار روزانه اش را به پایان می رساند و به خانه برمی گردد و در جمع صمیمی زن و فرزندان قرار می گیرد، تمام غم، اندوه و مشکلاتی که در طول روز با آنها مواجه شده، فراموش می کند و خستگی و رنج ناشی از تلاش و زحمت کار زیادی که باعث آزرده گی اش شده از بین می رود. زن هم در چنین شرایطی، زحماتش را فراموش کرده و در محیط باصفای خانواده احساس آرامش و سکون می کند. این چنین است که زن و شوهر با هم و در کنار همدیگر، لحظات خوشی را در سایه آرامش و سعادت زندگی زناشویی را تجربه می کنند.

و به این ترتیب هر یک از آنها با جدّیت، نشاط و اراده به استقبال روز جدید می‌روند تا بتوانند برای ادای وظیفه و تکلیف مخصوص خویش آماده باشند.

واضح است که در پرتو چنین آرامش روحی روانی، هریک از زوجین می‌تواند بطور کامل به مسؤولیت و وظایف خود عمل کرده و در راه خوشبختی خانواده و همسر و فرزندان خویش گام بردارد.

چه راست گفته پروردگار بزرگ در قرآن عظیم؛ آنجا که فرموده: «و از نشانه‌های خداوند آن است که همسرانی از خودتان برایتان آفرید تا در کنار آنان آرام گیرید و بین شما محبت و الفتی پایدار و استوار قرار داده و در آن نشانه‌هایی است برای اهل تفکر و اندیشه» [روم: ۲۱] در این آیه شریفه، خداوند، فلسفه ازدواج را سکون و آرامش قلبی و آسایش روحی و دوستی پایدار در خانواده دانسته است. بنابراین اگر ازدواجی این ویژگی را در بر نداشته باشد، نمی‌تواند ازدواج موافق با فلسفه آن و معقول باشد و در واقع، مابین با فلسفه زناشویی است.

۷- برانگیختن عاطفه پدر و مادر نسبت به فرزند

پیوند زناشویی باعث می‌شود که محبت و احساسات نسبت به فرزند، از قلب پدر و مادر فوران کند و شعله‌های گرم احساسات و محبت خود را به جگرگوشه‌هایشان هدیه کنند. بدیهی است که اینگونه احساسات عمیق، تأثیر مفیدی در مراقبت از فرزند و نتیجه چشمگیری در توجه به حال فرزندان و تربیت جگرگوشه‌هایشان را دارد که به‌خاطر مصالح زندگی

فرزندان خویش، شب‌بیداری بکشند و برای فراهم نمودن آینده‌ای بهتر و والاتر و زندگی سعادتمندانه آنان کوشش نمایند. چه زیباست این سخن شاعر در ارتباط با محبت خالصانه والدین نسبت به فرزندان‌شان.

و لولا برهات کز غب القضا

حُطْطَنَ مَنْ بَعْضُ الْی بَعْض

لکان لی مضطرباً واسعاً

فی الارض ذات‌الطول و العرض

و ائماً اولادنا یهنا

اکبادنا تمشی علی الارض

لو هبت‌الریح علی بعضهم

لا منتعت عوین عن الغمض

کودکان ما به مانند جوجه‌های بلدرچین، جست‌وخیز (و بازی) نکنند، در زمین پریشانی و دردسر بزرگی برایمان خواهد بود.

فرزندانمان جگرگوشه‌های ما هستند که بر روی زمین راه می‌روند و اگر بادی بوزد و به آنان برخورد کند ما چشمهایمان را باز نگه می‌داریم تا مبادا گزندى به آنها برسد.

آنچه ذکر شد، پرتوی از حکمتها و مصالح اجتماعی ازدواج بود، پس تعجبی ندارد اینکه می‌بینیم اسلام تا این اندازه به ازدواج اهتمام ورزیده و افراد را بر انجام آن تشویق و ترغیب می‌نماید. همچنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید، با دو یا سه یا چهار تا ازدواج کنید. اگر هم

می‌ت رسید که نتوانید میان زناتان دادگری را مراعات دارید، به یک زن اکتفا کنید.» (نساء: ۳)

بنابر فرموده خداوند در این آیه شریفه در مسائل ازدواج و خانوادگی اساس بر تک‌همسری است و بهتر آن است که بخاطر فراهم نگردیدن زمینه و مشکلات مادی و اجتماعی دنیوی و عذاب و مجازات اخروی از ازدواج مجدد پرهیز شود. اما نباید فراموش کرد که پاره‌ای از اسباب و

اعتبارات فردی و انسانی و اجتماعی وجود دارند که زمینه تعدد زوجات را فراهم می‌نمایند. زیرا اسلام دین سازگار با فطرت و ساختار زندگی فردی و اجتماعی است و با مشکلات ملموس و واقعی به گونه‌ای واقع‌بینانه برخورد می‌کند و مردم را دچار سردرگمی و پریشانی نمی‌کند.

«مردان و زنان مجرد خود را و غلامان و کنیزان شایسته (زادواج) خویش را (با تهیه نفقه و پرداخت مهریه) به ازدواج یکدیگر درآورید (و به فقر و تنگدستی ایشان ننگرید و نگران آینده آنان نباشید، چرا که) اگر فقیر و تنگدست باشند (و ازدواجشان برای حفظ عفت و دوری از گناه انجام گیرد) خداوند آنان را در پرتو فضل خود توانا و بی‌نیاز می‌گرداند، بی‌گمان خداوند دارای نعمت فراخ (بوده و) آگاه (از نیات همگان است).» (نور: ۳۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نیز در این رابطه رهنمودهای زیبا و پرمعنائی را برای ما بیان فرموده‌اند که به گوش جان آن را می‌شنویم. ایشان می‌فرمایند:

«یا معشرالنسب بلب من استطاع منكم الباءة ۵

فلیتزوج ... «ای گروه جوان! هر کس از شما که توانایی ازدواج دارد، ازدواج کند...» که قبلاً به طور کامل آوردیم. «دنيا کالا است و بهترین متاع آن زن نیکوکار است» [روایت مسلم، ابن ماجه و نسائی]

«چهار چیز جزء سنتهای پیامبران است: حناء، استفاده از بوی خوش، مسواک و ازدواج نمودن». [ترمذی]
«ازدواج کنید و (بچه بیاورید) تا جمعیت شما افزایش یابد، زیرا من در روز قیامت در مقابل امتهای دیگر به کثرت شما افتخار می‌کنم». [روایت عبدالرزاق از بیهقی]

«سه چیز عامل سعادت بنی آدم است: ۱- زن نیکوکار. ۲- خانه وسیع و نیکو. ۳- مرکب مناسب». [روایت احمد]
«هر کس که خداوند به او زن نیکوکاری عطا فرماید، او را در نیمی از دینش یاری فرموده است. و باید جهت حفظ در نیمه دیگرش تقوای خدا را داشته باشد». [روایت طبرانی]

از آنجایی که دین اسلام ازدواج را تشریع و به انجام آن دستور داده و مردم را نسبت به آن ترغیب و تشویق کرده است لذا نه تنها جایز نیست که مسلمان از آن شانه خالی کند بلکه خودداری از آن را به قصد و نیت فراغت بیشتر برای عبادت و تقرب به خداوند حرام دانسته، خصوصاً زمانی که فرد توانایی ازدواج داشته باشد و شرایط و امکانات آن را نیز برای او فراهم باشد، برای همین می‌بینیم که شریعت اسلامی با تمام توانش با این افکار که به رهبانیت و گوشه‌نشینی دعوت می‌کنند، شدیداً مبارزه

می‌کند، چرا که تجرد عملی ناپسند و ناخوشایند است که با فطرت انسانی همخوانی ندارد و با میل و غریزه انسان ناسازگار است.

اکنون اگر در مواضع رسول خدا صلی الله علیه وسلم نسبت به پرورش روح و علاج مشکلات جامعه تأمل نماییم، یقیناً اعتراف خواهیم کرد که این تربیت و راه حل‌ها براساس فطرت انسان و برآوردن امیال و خواسته‌های انسان، استوار گردیده است تا به این وسیله هیچ فردی در جامعه اسلامی از محدوده مجاز خودش که مطابق با فطرت سلیم اوست تجاوز نکند و نیز پا به راهی نگذارد که انحراف یابد یا با غریزه‌اش منافات داشته باشد، بلکه بر مبنای قانون و برنامه‌ای استوار و متعادل زندگی کند که اسلام برایش ترسیم کرده است و برای حرکت در زندگی روال طبیعی و متعادل، مناسب است، نه اینکه او بایستد و مردم حرکت کنند و به جلو گام بردارند و او عقب بیفتد حال آنکه قافله بشریت به پیش بتازد و او در ضعف و ترس روزگار سپری کند و سائرین در کمال و قوت.

لذا لازم است که جهت‌گیری ما براساس تعالیم پیامبران باشد، درست و معتدل. از جمله موضع‌گیری‌های آن حضرت صلی الله علیه وسلم در رابطه با رهبانیت، حدیثی است که «بخاری و مسلم» از قول انس روایت کرده‌اند که گفت: «سه گروه به خانه‌های زنان پیامبر صلی الله علیه وسلم رفتند تا در باره میزان عبادت پیامبر صلی الله علیه وسلم از آنان سؤال نمایند، وقتی که زنان پیامبر

مقدار عبادت آن حضرت را به ایشان گفتند، چنین پیدا بود که این افراد این میزان عبادت را برای خود کم می‌دیدند، بنابراین گفتند: ما کجا و پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم کجا؟! خداوند گناه اول و آخر او را بخشیده است، یکی از ایشان گفت: من همیشه تمام شب نماز می‌خوانم، یکی دیگر گفت: من تمام سال را بدون فاصله روزه می‌گیرم و سومی گفت: من از زنان دوری می‌کنم و برای همیشه ترک ازدواج می‌نمایم. در این اثنا پیامبر صلی الله علیه وسلم تشریف آورد و فرمود: «شما این سخنان را گفته‌اید؟! اما (باید بدانید) قسم بخدا من از همه شما بیشتر از خدا می‌ترسم و از همه شما پرهیزگارترم ولی با این حال، مدتی روزه می‌گیرم، و مدتی هم روزه نمی‌گیرم، شبها هم مدتی نماز می‌خوانم و مدتی هم می‌خوابم، با زنان ازدواج می‌کنم، کسی که از شیوه رفتار و سنت من دوری کند (و به آن عقیده نداشته باشد) از امت من نیست.»

این موضع‌گیری رسول خدا صلی الله علیه وسلم بزرگترین دلیل است بر اینکه اسلام دین فطرت است، راه زندگیست و رسالتی است که جاودانه خواهد ماند، تا زمانی که هیچ‌کس جز خدا، در جهان باقی نماند.

**وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله
وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.**